

دکتر رابرت ای. پترسون، مسیح‌شناسی، جلسه ۱۲، سیستماتیک، تولد از باکره، لوقا ۲، متی ۱، و الوهیت مسیح عبرانیان ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد مسیح‌شناسی است. این جلسه ۱۲، سیستماتیک، تولد از باکره، لوقا ۲، متی ۱، و الوهیت مسیح، عبرانیان ۱ است.

ما در حال ادامه سخنرانی‌های خود در مورد مسیح‌شناسی، به ویژه مسیح‌شناسی کتاب مقدس هستیم، که در برخی از سخنرانی‌های قبلی در مورد مسیح‌شناسی آباء و مدرن پایه‌گذاری شده است. نگرانی ما اکنون به طور خاص در مورد لقاح از باکره است، که متأسفانه باید بگویم همیشه تولد از باکره نامیده خواهد شد، مهم نیست چه باشد.

اما ما اینجا در لوقا ۱ مریم را در نظر می‌گیریم، و در طول سال‌ها، از کلاس‌های علوم دینی، به خصوص از زنان در آن کلاس‌ها، پرسیده‌ام که واکنش شما به این اعلام فرشته‌ای از جبرئیل مبنی بر اینکه شما مادر مسیح خواهید بود چیست؟ و واقعاً سرگرم‌کننده بود. یک بار واقعاً طنزآمیز بود. کلاس کوچکی بود، شاید یک کلاس کارشناسی ارشد به جای کارشناسی ارشد الهیات، و تعداد کمی از زنان آنجا بودند، اما یک خانم شیرین، یک خانم مسن‌تر شیرین، وارد شد و نشست.

فکر نمی‌کردم او به این کلاس تعلق داشته باشد. بعداً گفت که نمی‌خواست، اما خدا می‌خواست او برود، پس رفت. خیلی خنده‌دار بود.

اما او در آن زمان یک مادر و احتمالاً یک مادر بزرگ بود، و خیلی کمک‌کننده بود. او گفت که من اول از همه از این فرشته شوکه خواهم شد، احتمالاً از یک جنگجوی فرشته‌مانند مرد بزرگ خواهم ترسید، و بعد آنقدر گیج خواهم شد، و او گفت که به ذهنم خطور خواهد کرد که همسایه‌هایم ممکن است داستان لقاح باکره را باور نکنند. به نظر می‌رسد که همینطور باشد.

شاگردان انجیل چهارم معتقدند که در یوحنا ۸، وقتی عیسی فقط رهبران یهودی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آنها را پسران شیطان به جای پسران خدا می‌نامد، پاسخ آنها به او که «ما می‌دانیم پدرمان کیست» نه تنها انتقادی از اوست، بلکه به طور غیرمستقیم از مادرش، مریم، انتقاد می‌کند. برخلاف آنچه بولتمان تعلیم می‌داد، افراد قرن اول معتقد نبودند که تولد نوزادان از باکره‌ها بسیار نادر است و ظهور فرشتگان هر روز در میان اتفاق می‌افتد و از این قبیل چیزها. نه، این یک رویداد منحصر به فرد بود و بدون شک مریم به دلیل آن انگ می‌خورد.

نگرش او به سادگی ستودنی است. بنگر، لوقا ۱:۳۸، من بنده خداوند هستم. بگذار طبق گفته تو برای من باشد، و فرشته از نزد او رفت.

او نمی‌توانست کاملاً درک کند. او مجبور بود در برهه‌ای از زمان، مفهوم انگ اجتماعی که به این موضوع ضمیمه می‌شد را درک کند، و با این وجود، نگرش او بلافاصله تسلیم است. او در واقع، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، هم یوسف و هم مریم را انسان‌های خداترس می‌نامد.

درست است، افراد صالح، که به معنای خداترس یا پرهیزگار به بهترین معنا است. ما به فصل ۱ انجیل متی می‌رویم، و حالا این کار را از دیدگاه یوسف انجام می‌دهیم، و مشابه آنچه در مورد متن لوقا گفتم، از مردان کلاس پرسیده‌ام، نظر شما چیست، باشه؟ من یک بار موعظه‌ای از یکی از کشیشان سابقم شنیدم، و به من نشان داد که من یک فرض کرده‌ام زیرا او فرض مخالف را مطرح کرد. من فرض کردم که مریم چیزی در این مورد به یوسف نگفته است.

او گفت که فرض کرده که او این کار را کرده است. او فرض کرده بود که او این کار را کرده است، و جوزف، حرفش را باور نمی‌کرد. من فرض کردم که او این کار را نکرده و شاید کم‌کم دارد خودش را نشان می‌دهد. بنابراین جوزف می‌دانست که اتفاقی افتاده است، و اگر نگوییم نگران می‌شد.

برای دانش‌آموزان پسری که می‌گویند، خب، بگذارید من بخوانم، و من پاسخ‌های آنها را به شما می‌دهم. متی، تا ۲۱. حال، تولد عیسی مسیح به این شکل اتفاق افتاد، همانطور که متی می‌نویسد، زمانی که مادرش ۱۸، ۱، مریم، به یوسف نامزد شده بود.

بار دیگر، این یک مسئله جدی است. این اولین مرحله از ازدواج در سنت یهودی است که تنها با طلاق از هم می‌پاشد. از نظر فنی، این یک ازدواج واقعی نبود که باید با اتحاد فیزیکی به پایان برسد.

بنابراین، تعهد، نه رابطه جنسی، برای اینکه شکسته شود، مستلزم طلاق است. قبل از اینکه آنها در اتحاد جنسی با هم باشند، مشخص شد که او از روح القدس فرزندی دارد. متی دو بار می‌گوید از روح القدس توضیح مفصل‌تری که لوقا ارائه داد را ارائه نمی‌دهد، اما مطمئناً شامل حقایق مشابهی است.

شوهرش یوسف، که مردی عادل بود و نمی‌خواست او را شرمند کند، تصمیم گرفت بی‌سروصدا از او طلاق بگیرد. وقتی از دانشجویان مرد پرسیدم که اگر یوسفشان و معشوقشان مریم، زنی که دوست دارند و می‌خواهند با او ازدواج کنند، زنی که به او متعهد شده‌اند و فکر می‌کردند این یک رابطه‌ی دوطرفه است، باردار شوند، چه احساسی خواهند داشت، گفتند که عصبانی، ناراحت و بسیار ناامید خواهند شد. این ایده که او می‌توانسته مریم را سنگسار کند، از نظر قانونی از نظر فنی درست بود، اما محققان انجیل می‌گویند که این موضوع در قرن اول به ندرت در عمل مورد استناد قرار می‌گرفت.

بنابراین، اعمال یوسف ستودنی بود. آنها همچنین خدایسندانه بودند. او بدون شک خرد شد.

چطور ممکن است مریم من این کار را با ما بکند؟ اما او تصمیم گرفت بی‌سروصدا از او طلاق بگیرد. باز هم طلاق لازم بود و او دلشکسته بود و نمی‌توانست درک کند. اما وقتی به این چیزها فکر می‌کرد، خواب بزرگی دید.

بنگر، فرشته‌ای از جانب خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت، بنابراین در هر دو انجیل لوقا ۱ و متی ۱، فرشتگان پیام‌آوران خدا هستند که در اعلام لقاح باکره نقش دارند. یوسف، پسر داوود، دوباره از این جنبه مورد تأکید قرار می‌گیرد. عیسی، به عنوان پسر خدا، قبل از هر چیز، یک عنوان سلطنتی در توسعه داستان کتاب مقدس است.

دوم سموئیل ۷، خدا به داوود و پسرش سلیمان و فرزندان آینده داوود می‌گوید که خدا پدر آنها خواهد بود و این مردان به طور خاص پسر او خواهند بود. یوسف، پسر داوود، از گرفتن مریم به عنوان همسر خود نترس زیرا آنچه در او قرار گرفته است، باز هم همان عبارت، از روح القدس است. او پسری به دنیا خواهد آورد و تو نام او را عیسی خواهی گذاشت.

این همان چیزی است که در لوقا ۱ آمده است، جایی که به مریم گفته شد او را عیسی بنامد، پس یوسف است. رسماً، این نقش پدر خواهد بود، اما اکنون خداوند از طریق فرشته‌ی فرستاده‌ی خود توضیحات بیشتری می‌دهد. نام او را عیسی بنامید، که به معنای نجات‌دهنده یا خداوند است، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.

در اینجا ارتباط مستقیمی بین شخص و کار مسیح از دیدگاه کتاب مقدس وجود دارد. گفتیم که یکی از نقاط قوت الهیات سیستماتیک این است که مسائل را از هم جدا می‌کند تا بتوانیم آنها را درک کنیم، و در عین حال یکی از نقاط ضعف آن این است که مسائل را از هم جدا می‌کند تا بتوانیم آنها را درک کنیم. یعنی آنچه را که خدا کنار هم قرار داده است، تقسیم می‌کند، بنابراین باید مراقب باشیم و مسائل را دوباره کنار هم قرار دهیم.

اگر به دقت به خود این آیات توجه کنیم، دقیقاً همین کار را انجام می‌دهیم. زیرا این چهار متن بزرگ مسیح‌شناسی، متون مربوط به کفار نیز هستند، به استثنای احتمالاً فیلیپیان ۲ که از این نظر به اندازه آن قوی نیست. در ادامه آمده است که چگونه این موضوع، اشعیا ۷:۱۴ و ۲۴ را تحقق می‌بخشد، زمانی که یوسف، بدون شک مردی شاد، از خواب بیدار شد.

او همانطور که فرشته خداوند به او فرمان داده بود، عمل کرد. او همسرش را گرفت اما او را نشناخت در لوقا ۱ از این عبارت استفاده نمی‌کند، جایی که می‌گوید، چگونه ممکن است چنین ESV نمی‌دانم چرا چیزی ممکن باشد در حالی که من باکره هستم؟ به معنای واقعی کلمه، گفته شده است

چطور ممکن است چنین چیزی باشد در حالی که من مردی را نشناخته‌ام؟ در اینجا، آنها این کار را به معنای واقعی کلمه انجام می‌دهند. او را نمی‌شناختم تا زمانی که پسری به دنیا آورد و او نام پسر را عیسی گذاشت. این عبارت اصرار ندارد که آنها بعداً با هم رابطه جنسی داشته‌اند، اما مطمئناً در حالت عادی چنین چیزی را نشان می‌دهد.

و برخلاف ادعای روم مبنی بر اینکه برادران و خواهران عیسی که در انجیل‌های هم‌نوا آمده‌اند، صرفاً پسرعمو و نه فرزندان آنها هستند، این امر بعید است. و باز هم، روم طبیعت را در مقابل فیض قرار داده است. خدا از طریق این زن خدمتکار فروتن خداوند، خدمتگزار خداوند، پسرش را به دنیا می‌آورد.

و یوسف و مریم ازدواج کرده بودند و بدون شک از آنچه که یکی از دوستان کشیش خداترس من، پیوند زناشویی در عشق و زندگی جنسی پس از تولد عیسی می‌نامید، لذت می‌بردند. و او مطیعانه نام او را عیسی گذاشت. در اینجا، اگر بخواهید، جنبه‌ی مردانه‌ی لقاح باکره‌ی پروردگاران را داریم.

خداوند این موضوع را آنقدر مهم می‌دانست که فرشته جبرئیل را مأمور کرد تا به مریم وحی کند که او مادر مسیح خواهد بود. فرشته‌ای که در خواب نامی از او برده نمی‌شود، برای یوسف توضیح می‌دهد که نامزدش به دلیل این معجزه، کاندیدای خوبی برای ازدواج است. بدون شک یوسف بسیار خوشحال و آسوده خاطر «می‌شد و چیزهایی مانند این به ذهنش خطور می‌کرد»: می‌دانستم که می‌توانم به مریمم اعتماد کنم

، اما یک بار دیگر، برخلاف برداشت بولتمانی که آنها را مشتی روستایی ساده‌لوح و احمق می‌دانست، رک بگویم که نمی‌دانستند دنیای مدرن را درک کنند، آنها می‌دانستند نوزادان از کجا می‌آیند. و یوسف می‌دانست که او و مریم با هم رابطه‌ای نداشته‌اند و چقدر از این معجزه خدا آسوده خاطر بود. شاید این باعث شد که او به چیزهایی مانند این فکر کند، آیا من واقعاً پدر این کودک خواهم بود؟ سنت کلیسا به ما می‌گوید که او به گونه‌ای رفتار می‌کرد که گویی عیسی فرزندخوانده‌ای است و با او واقعاً مانند پسر خودش رفتار می‌کرد.

یک سوال مهم که در طول سال‌ها پاسخ‌های نادرستی برای آن پیدا کرده‌ام این است: چرا عیسی مسیح عاری از گناه اولیه به دنیا آمد؟ من دو پاسخ منفی دارم. اولاً، نه به این دلیل که رابطه جنسی ذاتاً گناه است. ذاتاً گناه نیست.

ما درباره آدم و حوا قبل از هبوط می‌خوانیم. آدم، حوا را می‌شناخت. این بخشی از نظم خلقت خدا بود که زن و شوهر در کل رابطه خود، از جمله این جنبه از رابطه، یکدیگر را دوست داشته باشند و بارور و تکثیر شوند. این اراده خداست.

برخلاف آموزه‌های مسیحی در اوایل و در طول قرون وسطی، مفاهیمی مانند این که هر بار که یک زوج رابطه جنسی داشتند، یک روز از عمرشان کم می‌شد. بنابراین، آیا این برخلاف آموزه‌های کتاب مقدس است، حتی خنده‌دار هم نیست. عیسی از گناه اولیه آزاد به دنیا آمد، نه به این دلیل که رابطه جنسی گناه است.

راستش را بخواهید، من هم کمی این را شنیده‌ام، اما نه زیاد. مورد بعدی که زیاد شنیده‌ام این است که، اوه عیسی از گناه اولیه مبرا نگه داشته شد زیرا هیچ پدر گناهکاری در این امر دخیل نبود، زیرا می‌دانیم که گناه اولیه از طریق پدر و گناهکاری آنها منتقل می‌شود. خب، باید به شما بگویم، وقت تمام است.

این دلیل آن نیست که عیسی از گناه اولیه مبرا به دنیا آمد. درست است که یوسف گناهکار بود، و همچنین درست است که او از نظر جسمی در به دنیا آمدن این کودک نقشی نداشت. اما حدس بزنید چه؟ برخلاف تصور رومی‌ها مبنی بر معصوم بودن مریم، او نیز گناهکار است.

هر دوی آنها به عنوان افراد خداترس، به عنوان افراد صالح در نظر گرفته می‌شوند و همینطور هم هستند. طبق برداشت پولس، آنها افرادی عادل هستند که تقدیس می‌شوند. اما در مورد گناهکاری، هر دو گناهکار بودند. بنابراین، این واقعیت که یوسف در این ماجرا دخیل نبود، این واقعیت را که عیسی از گناه اولیه آزاد به دنیا آمد، توجیه نمی‌کند.

در واقع، خود متن کتاب مقدس در متی کلی است. دو بار می‌خوانیم که او از روح القدس باردار شده است. این چیزی است که متی توصیف می‌کند، اما فرشته از طریق فرشته، عین کلام خدا را به یوسف می‌گوید.

سخنان متی نیز سخنان خداست، اما اکنون خدا او را خطاب قرار می‌دهد: از گرفتن مریم به عنوان همسر خود، یوسف، نترس، زیرا آنچه در او قرار گرفته است از روح القدس است. لوقا دقیق‌تر است. لوقا از کلماتی استفاده می‌کند که ما با آنها در مورد نزول خدا و انجام کارهایی که در عهد عتیق برای اسرائیل و قومش انجام داده‌ایم، آشنا هستیم.

این چگونه ممکن است؟ او به جبرئیل می‌گوید: «چون من باکره هستم، مردی را نمی‌شناسم.» فرشته به او پاسخ داد.

بنابراین، پاسخ واقعی به این سوال که چرا عیسی از گناه اولیه مبرا به دنیا آمد، این نیست که رابطه جنسی گناه است. اینطور نیست. این به این دلیل نیست که مرد گناهکار در آن دخیل نبوده، هرچند که نبوده. یک زن گناهکار در آن دخیل بوده است.

این به دلیل کار روح القدس در رحم مریم بود. روح القدس بر تو نازل خواهد شد. در عهد عتیق، روح القدس بر مردم نازل می‌شد تا اعمال و وظایف خاصی را انجام دهند و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند.

این خداست که از طرف مریم صحبت می کند. روح القدس این کار را انجام خواهد داد. تو از روح القدس باردار خواهی شد، به زبان متی.

روح القدس بر تو نازل خواهد شد. باید اضافه کنم، آیا این یک تصور مورمونی است که این زبان آمدن، زبان تمایلات جنسی است؟ این خیلی پوچ است. من را عصبانی می کند.

نه، اینطور نیست. روح القدس یک روح است، اولاً. خدای من

نه، این زبان رابطه جنسی نیست. اما روح قرار است بر او نازل شود، و قدرت خدا در روح القدس بر شما سایه خواهد افکند، تا این کودک، لقاح این کودک، کار خدا، روح القدس، باشد. نتیجه این است

کودکی که به دنیا خواهد آمد، مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد. متی و لوقا توضیح بیولوژیکی به ما ارائه نمی دهند. اگر به توضیحی نیاز داریم، بفرمایید

مریم گناهکار بود. مریم واقعاً مادر خداوند ما بود. این نکته مهمی است، همانطور که اعتقادنامه ها و اعترافات کلیسا اذعان می کنند، زیرا او واقعاً انسان بود

بدون پدر؟ بله، بدون پدر. خدا می خواست نشان دهد که این یک مفهوم خاص، یک مفهوم ماوراءالطبیعه است، و بنابراین روح القدس کار کرد. آیا مریم در تولد نوزادش نقشی نداشت؟ بله، مریم در تولد نوزادش نقش داشت، همان کاری که هر مادری در تاریخ جهان در تولد نوزادش انجام داده است

دی ان ای و کروموزوم ها. دی ان ای و کروموزوم های مریم در بدن جنینی کوچک عیسی وجود داشت. چطور؟ اما یک لحظه صبر کنید

اگر گناه از طریق والدین یا از طریق والدین منتقل می شود، آیا سهم او گناه آلود و آلوده به گناه اولیه نبوده است؟ در واقع، این یک نکته مورد بحث در الهیات است که چگونه ارواح منتقل می شوند، و به نظر من ما اطلاعات کافی برای گفتن قطعی در مورد چگونگی عملکرد آن نداریم. اما بیایید بگوییم که این درست است، که وجود مریم گناه آلود بوده است، و این به عیسی منتقل شده است، بنابراین او گناهکارانه به دنیا آمده است. من اینجا با احترام صحبت می کنم، سعی می کنم این موضوع را بررسی کنم، و اعتراف می کنم که تا حدودی حدس و گمان است.

و کروموزوم هایش را به او داد، اما از همان لحظه اول DNA برداشت من این است. او واقعاً مادر او بود. او. لقاح، سهم او تقدیس شد

حالا، من نمی گویم که عیسی هرگز گناهکار نبود. مریم گناهکار بود، و سهم او به خودی خود می توانست گناه اولیه را منتقل کند، اما این اتفاق نیفتاد، زیرا سهم گناه او از همان لحظه، از همان لحظه ای که خدا آن جنین را در او، آن تخم را در او، دیواره رحم او کاشت، مقدس بود. جنین مقدس بود

عیسی هرگز گناهکار نبود، و ما این را به او نسبت می دهیم. کتاب مقدس این را به او نسبت می دهد. این از روح القدس بود که بر او نازل شد و بر او سایه افکند

به همین دلیل است که عیسی از گناه اولیه آزاد به دنیا آمد؛ این کار روح القدس بود. در واقع، کتاب مقدس به ما یک کتاب مقدس، یک توضیح بیولوژیکی، ارائه نمی دهد. واژگان من تازه بهتر شده است

روح، تخمک بارور شده او را به طور ماوراءالطبیعه توسط روح، تقدیس و در دیواره رحم او کاشت. این زبان درست است. آیا این اتفاق به این صورت افتاد؟ نمی‌دانم، اما شاید اینطور باشد.

صرف نظر از چگونگی وقوع آن، روح القدس دخیل بود و مریم واقعاً مادر آن بود. این دو نکته غیرقابل انکار هستند. کتاب مقدس به چگونگی آن علاقه‌ای ندارد.

من در اینجا شباهتی با الهام کتاب مقدس می‌بینم. در آنجا نیز، کتاب مقدس به محصول تعامل الهی-انسانی می‌پردازد که همان کلام خدا را تولید می‌کند. به همین ترتیب، تعامل الهی و انسانی نیز وجود دارد.

روح القدس و مریم وجود دارند. کتاب مقدس به نتیجه توجه دارد. یک آموزه ارتدکس الهام بخش کتاب مقدس می‌گوید که این موضوع مورد توافق بوده است.

اینجا در سنت لوئیس، رودخانه‌های میسوری و می‌سی‌سی‌پی در یک راستا به هم می‌ریزند، درست است؟ می‌توان در مورد آن اینگونه صحبت کرد که خدا در نویسندگان واقعی بشر با تمام خطاپذیری‌شان، مطابق با گناهکاری مریم، واقعاً کار می‌کند تا کلام مقدس خود را خلق کند. کلام مقدس او در قالب کلمات بشری است نه کلام خدا. کلام بشر است، اما کلمات بشری به طور مشیت الهی، توسط خدا هدایت می‌شوند، به طوری که نتیجه گفتار آنها همان کلام خدا در قالب کلام بشری است.

وارفیلد درست می‌گوید. ما باید مفهوم الهام را به چیزی بیش از زمانی که نویسندگان قلم را روی کاغذ می‌گذارند، یا به اصطلاح، پایروس یا هر چیز دیگری، گسترش دهیم. بله، حدس می‌زنم پایروس

در هر صورت، خداوند به طور مشیت الهی تمام زندگی آنها را هدایت کرد و پولس را نزد غمالائیل تعلیم داد و موسی را عضوی از دربار فرعون قرار داد تا آنها و رهبر سرگردانی در بیابان را برای نوشتن کتاب اعداد مجهز کند، تا آنها را به گونه‌ای مجهز کند که الهام، تمام زندگی آنها را شامل شود، نه فقط زمانی که آنها نوشتند بلکه به ویژه زمانی که نوشتند. ما اطلاعات کمی در مورد روانشناسی یا عملکرد دقیق روح در نویسندگان کتاب مقدس داریم. آنچه کتاب مقدس تأکید می‌کند این است که تمام کتاب مقدس از الهام خدا است، یا مردان باستان با این نتیجه نوشتند که این کلام خدا بوده است.

من به دوم پطرس ۱ نیاز دارم، و دارم خرابکاری می‌کنم. هیچ پیشگویی‌ای هرگز ارائه نشده است؛ متن از کلام نبوی خدا، به اراده انسان، صحبت می‌کند، اما انسان‌ها از جانب خدا سخن گفتند، همانطور که توسط روح القدس هدایت شدند. یعنی، کتاب مقدس به طور خاص به جنبه نبوی کلام خدا اشاره می‌کند، که محصول روح القدس است که نویسندگان انسانی را هدایت می‌کند.

به همین ترتیب، دوم تیموتائوس ۳:۱۶، تمام کتاب مقدس توسط خدا الهام شده است، یعنی توسط خدا بیان شده است، و در نتیجه محصول اوست. کلام مکتوب خدا، سخنان خدا در قالب کلمات انسانی بی‌خطا است که به طور بی‌عیب و نقص اهداف، تمام اهدافی را که خدا برای آن داده است، به انجام می‌رساند. به همین ترتیب، اگرچه ما نمی‌توانیم مکانیسم دقیق نحوه عملکرد روح القدس را توضیح دهیم، شاید اصلاً نتوانیم؛ حداقل، بر آن تأکید نشده، آموزش داده نشده است، و برخی از نظریه‌های مربوط به آن نباید بخشی از آموزه‌های کلیسا شود.

من فقط یک احتمال دارم. نتیجه به روشنی آموزش داده شده است که کودکی که به دنیا می‌آید، مقدس و پسر خدا نامیده خواهد شد. تجسم یک معجزه بزرگ است.

این، همراه با زندگی بی‌گناه عیسی، پیش‌نیاز اساسی برای صلیب و قبر خالی است. خداوند تصمیم گرفت از لقاح باکره‌ی خداوندان در رحم مریم استفاده کند تا مسیح، موعود، و پسر خدا، پادشاه الهی را به جهان بیاورد. ما آن را تا حدودی درک می‌کنیم؛ ما به آن ایمان داریم، به آن اعتراف می‌کنیم، آن را تعلیم می‌دهیم و از مشیت نیکوی خداوند، حتی مشیت ویژه در لقاح باکره، شادمان هستیم.

ما پس از الهیات تاریخی مسیح‌شناختی خود، نگاهی به وجود پیشین پسر خدا، تجسم پسر و اکنون لقاح باکره‌ی پروردگاران انداخته‌ایم که برای همیشه تولد از باکره نامیده خواهد شد. من از آن صرف نظر می‌کنم. نمی‌توانم و قصد ندارم آن را تغییر دهم.

در مرحله بعد، الوهیت مسیح موضوع بسیار مهمی در مطالعه ماست. هیچ چیز مهم‌تر از این نیست، اگرچه از قضا، انسانیت مسیح به همان اندازه مهم است، و به نظر نمی‌رسد مسیحیان انجیلی این را درک کنند. در نهایت، من با پنج دلیل کلیدی الوهیت عیسی کار خواهم کرد و همه آنها را در عبرانیان ۱ خواهیم یافت. اجازه دهید فقط یک مرور کلی انجام دهم.

عبرانیان ۱ به طور خاص تعلیم می‌دهد که عیسی از ذات خداست. او در آنچه خدا را خدا می‌کند، سهیم است. نویسنده می‌گوید او دقیقاً مظهر ذات، طبیعت و وجود ذاتی الهی است.

ما موارد مشابهی را در رساله کولسیان نیز خواهیم دید. علاوه بر این، عیسی عناوین خدا، خداوند، پسر انسان، خدا، پسر خدا را دارد و دو مورد از آنها، خداوند و خدا، در اینجا در عبرانیان ۱ منعکس شده‌اند. ما ادعا نمی‌کنیم که این عناوین فقط و همیشه برای خدایان استفاده می‌شوند. به عنوان مثال، خداوند در عهد جدید و در فرهنگ پیرامون آن، فرهنگ یونانی، برای اربابان و اربابان انسانی با بندگان استفاده می‌شود.

چیزی که ما ادعا می‌کنیم این است که، خدای من، در عبرانیان ۱، به شیوه‌ای که کتاب مقدس از این چیزها استفاده می‌کند، خیلی واضح است. خالق، خداوند است، و پدر، پسر را خدا خطاب می‌کند. این عناوین به عنوان عناوین الهی پسر استفاده می‌شوند.

سوم اینکه، پسر صفاتی دارد که مختص خداست. این یک قیاس منطقی است. فقط خدا صفات خاصی دارد.

کتاب مقدس این صفات را به پسر نسبت می‌دهد. ج. بنابراین، پسر خداست. ما فیض، حقیقت و جلال را در یوحنا ۱ دیدیم. ابدیت را در کولسیان ۱ و مکاشفه ۱ خواهیم دید. قدرت را در فیلیپیان ۳ خواهیم دید. قدرتی که مسیح برای مطیع کردن همه چیز به خود دارد، در تغییر بدن‌های فانی فعلی ما به مانند بدن جاودانه باشکوه او اعمال خواهد شد.

این قدرت خداست. اما هیچ‌کدام از اینها در عبرانیان ۱ نیست. تغییرناپذیری در عبرانیان ۱، آیات ۱۱ و ۱۲ آمده است. برخلاف خلقت تغییرپذیر، پسر خدا تغییرناپذیر است.

سال‌های عمر او پایانی ندارد و او همچنان همان است. در کتاب مقدس، با قدرت تمام، همین استدلال به تنهایی کافی است، همین مدرک به تنهایی برای اثبات الوهیت مسیح کافی است. عیسی کارهایی انجام می‌دهد که فقط خدا انجام می‌دهد.

عهد عتیق واضح است. تنها خداست که می‌آفریند. تنها خداست که کار مشیت الهی را انجام می‌دهد، از خلقت خود نگهداری می‌کند و آن را به سمت اهداف خود هدایت می‌کند.

تنها خداست که رستگاری را به ارمغان می‌آورد. یونس می‌گوید: رستگاری از جانب خداوند است. تنها خداست که به معنای واقعی کلمه داوری می‌کند.

تنها خدا امور را به کمال می‌رساند. عبرانیان ۱ به طرز شگفت‌آوری چهار مورد از آن پنج مورد را نشان می‌دهد که مسیح کارهای خدا را انجام می‌دهد. او می‌آفریند، کار مشیت الهی را انجام می‌دهد، او نجات‌دهنده است و او همه چیز را به کمال خواهد رساند.

این باورنکردنی است. چه متنی. پنجمین مدرک اینجا و آنجا در عهد جدید آمده است.

یعنی، عیسی مورد پرستش قرار می‌گیرد. این فقط شایسته خداست. متن این است که مردان خوب مورد پرستش قرار می‌گیرند، از پرستش امتناع می‌کنند، ببخشید، و فرشتگان خوب از پرستش امتناع می‌کنند.

ما آن را در آینده از اعمال رسولان باب ۱۴ خواهیم دید. دو بار در کتاب مکاشفه، یوحنا مغلوب این مکاشفات می‌شود. او سقوط می‌کند.

یک بار ظاهر عبادت را نشان می‌دهد، یک بار می‌گوید به سجده می‌افتد. هر دو بار فرشته می‌گوید بلند شو. این غلط است. نه، ما هر دو بنده خداییم که تنها او را می‌پرستیم.

مسیح در عبرانیان ۱ وقتی وارد خود بهشت می‌شود، مورد پرستش قرار می‌گیرد. در عروجش و سپس نشستن در دست راست خدا، خدا می‌گوید، همه فرشتگان خدا او را پرستش کنند. عیسی فرشته نیست.

فرشتگان همانطور که فرشتگان با خدا ارتباط دارند، با عیسی نیز ارتباط دارند. آنها او را پرستش می‌کنند. مرد نابینا در یوحنا ۹ او را پرستش می‌کرد.

خیلی دیر این را می‌گویم. اکثر افرادی که در مقابل عیسی سجده می‌کنند، در ناامیدی برای داشتن یک پسر، یک دختر، یک خدمتکار که دوستش دارند، هستند و در حال پرستش نیستند. آنها از یک معجزه‌گر، یک شفادهنده، کمک می‌خواهند.

این پرستش تثلثی نیست. اما افسوس که در یوحنا ۹، به نظرم آن مرد نابینای سابق کاری تقریباً شبیه به پرستش مسیحی انجام می‌دهد. شگفت‌انگیز است.

فکر می‌کنم این نباید ما را متعجب کند، زیرا یوحنا از نظر الهیاتی پیشرفته‌تر از انجیل‌های دیگر است. توماس وقتی به یک مرد یهودی می‌گوید، «پروردگار من و خدای من»، عیسی را می‌پرستد. یوحنا 20:28، همه در آخرت در برابر عیسی تعظیم خواهند کرد.

با این حال، طبق فیلیپیان ۲:۱۰ و ۱۱، همه اینها پرستش نیست. افراد نجات نیافته با اکراه سر تعظیم فرود خواهند آورد. همه این پنج مدرک در یک متن جمع شده‌اند.

درست حدس زدید. عبرانیان فصل ۱. همانطور که دیدیم، یوحنا فصل ۱ الوهیت مسیح را تعلیم می‌دهد. کولسیان فصل ۱ نیز همین را تعلیم می‌دهد.

فیلیپیان ۲ این را در ابتدا و انتهای آن متن عالی در آیات ۶ تا ۱۱ تعلیم می‌دهد. اما هیچ‌کدام از آنها هر چهار مورد را ندارند، هیچ‌کدام هر چهار مورد از این شواهد را ندارند، که دقیقاً همان کاری است که عبرانیان ۱

انجام می‌دهد. من دوست دارم عبرانیان ۱ را بخوانم و به فصل ۲: ۱ تا ۴ ادامه دهم. به یاد داشته باشید تقسیم‌بندی فصل‌ها الهامی نیست.

و اگر می‌خواهید درباره آن داستان بخوانید، داستان جذابی است. مطالعه کتاب مقدس در قرون وسطی یا ساخت کتاب مقدس در قرون وسطی توسط بندیکت نگهبان، خواندنی جذابی است. معلمان در پاریس اساتید در پاریس در دهه ۱۲۰۰ یا همین حدود، در تلاش برای گنجاندن فصل‌هایی در کتاب مقدس با هم رقابت می‌کردند.

آنها یک جور مسابقه گذاشتند و یک نفر برنده شد و از آنجا بود که تقسیم‌بندی فصل‌هایمان را انجام دادیم. اما همیشه خوب نیستند. من یک استاد فوق‌العاده و محترم عهد عتیق، آلن مک‌ری، داشتم که به دانشجویانش چیزهای زیادی یاد می‌داد، اگرچه وقتی من به عنوان رئیس مدرسه که من فقط یک طلبه سطح پایین در آن بودم، تحت تعلیم او بودم، از زمان کلاسش گذشته بود، اما او با مثال به ما درس می‌داد.

اگر قرار بود از روی کتاب مقدس بخواند، هرگز در پایان یک فصل متوقف نمی‌شد. همیشه به سراغ فصل بعدی می‌رفت. حالا، گاهی اوقات این تصادفی نبود، اما او منظورش را می‌رساند.

ما نباید در این چارچوب قرار بگیریم. در این مورد، او درست می‌گوید، زیرا فیلیپیان ۲: ۱ تا ۴ مصداقِ ببخشید، عبرانیان ۱: ۱ تا ۴ مصداق است. دوباره می‌گویم، و شاید درست متوجه شده باشم.

عبرانیان ۲: ۱ تا ۴ مصداق فصل اول کتاب عبرانیان است. نویسنده مدت‌ها پیش نوشت: من با اصل و نسب موافقم؛ فقط خدا به طور قطع می‌داند چه کسی این کتاب را نوشته است؛ خدا بارها و به طرق مختلف از طریق پیامبران با پدران ما سخن گفته است، اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما سخن گفته است. اساسی‌ترین تقسیم‌بندی در کلام خدا بین عهد عتیق و عهد جدید نیست، که دو آیه‌ای که الان خواندم منعکس کننده آن هستند. اساسی‌ترین تقسیم‌بندی الهیاتی در کلام خدا قبل و بعد از سقوط است زیرا همه چیز تغییر کرده است.

با این وجود، دومین تقسیم‌بندی اساسی، عهد عتیق و عهد جدید است و در اینجا آن را در مجموعه‌ای از تضادها با یک شباهت اساسی بیان می‌کنیم. مدت‌ها پیش، عهد عتیق، و در روزهای آخر، عهد جدید در بسیاری از مواقع و به طرق مختلف، در یا توسط پسرش، متناظر با آن است.

خدا با پدران ما سخن گفت. خدا به عنوان همتای عهد جدید با ما سخن گفت. از طریق انبیا، عهد عتیق

توسط پسرش، عهد جدید. تضادهای بزرگ. وجه مشترک عهد عتیق و جدید چیست؟ خدا با پدران ما سخن گفت.

خدا از طریق پسرش با ما سخن گفته است. در هر دو عهد، او خدای سخنگو است. کلام خدا دقیقاً همین است.

سخنان خدای زنده، که سخن گفت و در زمان عهد جدید نیز سخن گفت. در مورد پسرش، پسر، ما آن عنوان الهی را در یوحنا ۱ می‌بینیم. این اولین کلمه و نوری نیست که مقدم است، بلکه پسر آنجاست. ما آن را در کولسیان ۱ می‌بینیم. ما آن را اینجا در عبرانیان ۱ می‌بینیم. پسرش، که او را وارث همه چیز قرار داده است، در نهایت همه چیز به عیسی مسیح خواهد رسید.

اوه، من اول قرننتیان ۱۵ را می فهمم. و سپس پسر، در واقع، همه چیز را به پدر خواهد سپرد. من متوجه هستم، اما این چیزی نیست که اینجا می گوید.

این تصویر کاملی ارائه نمی دهد زیرا پسر را والاتر جلوه می دهد. پسر وارث همه چیز است که خدا از طریق او جهان را آفرید. پسر وارث است.

او پایان است. پسر، عامل آفرینش پدر است. او آغاز است.

خدای من، پسر، همه چیز در همه چیز است. این شبیه سخنان اشعیا است که بیش از یک بار در مکاشفه نقل شده است. خدا اول و آخر، آلفا و امگا است.

او، پسر، درخشش جلال خدا و مظهر دقیق ذات اوست. و او پس از تطهیر گناهان، جهان را با کلام قدرت خود حفظ می کند. در آن عبارت کوتاه، نویسنده عبرانیان موضوع اصلی فصل های ۷، ۸، ۹ و ۱۰، یعنی تصویر قربانی از کار پسر خدا را معرفی می کند.

فقط چند کلمه. پس از تطهیر گناهان یا پس از تطهیر گناهان. او تعلیم می دهد که کار مسیح به پایان رسیده است، و بنابراین، چون توسط پدر مقدر شده و توسط پدر پذیرفته شده است، کامل است.

چیزی به آن نمی توان افزود، و چون کامل و بی نقص است، برای هر کسی که به پسر ایمان آورد، مؤثر است. پس از پاک کردن گناهان، در دست راست کبریایی در اعلی علین نشست. او از فرشتگان برتر شد، به همان اندازه که نامی که به ارث برده برتر از نام آنهاست.

آن نام چیست؟ همانطور که آیات بعدی آشکار می کنند، این نام پسر است. زیرا خدا به کدام یک از فرشتگان، گفته است: «تو پسر من هستی»، مزمور ۲، امروز تو را به دنیا آورده ام. یا باز، «من برای او پدر خواهم بود. او برای من پسر خواهد بود»، دوم سموئیل ۷. و باز، هنگامی که نخست زاده را به جهان می آورد، می گوید: «همه فرشتگان خدا او را پرستند».

تثنیه ۳۲. درباره فرشتگان می گوید: فرشتگان خود را باد و خدمتگزاران خود را شعله آتش می سازد، مزمور ۱۰۴. اما درباره پسر می گوید: ای خدا، تخت تو تا ابد پابرجاست.

عصای عدالت، عصای پادشاهی توست. این از مزمور ۴۵ است. تو عدالت را دوست داشته ای و از شرارت بیزار بوده ای.

بنابراین، خدا، خدای تو، تو را با روغن شادی مسح کرده است، فراتر از رفقاییت، آنها چه کسانی هستند؟ پادشاهان زمینی. این روغن مسح پادشاهی است. و او پادشاه آسمانی است که قرار است پادشاه آسمانی زمینی در زمین جدید شود.

و تو، ای خداوند، به نقل از مزمور ۱۰۲، در آغاز زمین را بنیاد نهادی، و آسمان ها ساخته ای دست تو هستند. آنها فانی خواهند شد، اما تو باقی خواهی ماند. همه آنها مانند جامه ای کهنه خواهند شد؛ مانند ردایی، آنها را خواهی بیچید، و مانند جامه ای، تغییر خواهند کرد.

اما تو همان هستی و سال های تو پایانی نخواهد داشت. اما به کدام یک از فرشتگان گفته است، در مزمور در دست راست من بنشین تا دشمنان را زیر پای تو اندازم؟ آیا همه آنها ارواح خدمتگزار نیستند که ۱۱۰،

برای خدمت به کسانی که وارث نجات خواهند بود، فرستاده شده‌اند؟ پاسخ مثبت بود. اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ این تضاد پیچیده بین پسر و فرشتگان چیست؟ در واقع، این تضاد حتی پیچیده‌تر از این است.

اگر آیات اول و دوم را در نظر بگیرید، پسر در آیات اول و دوم در مقابل پیامبران عهد عتیق قرار می‌گیرد. پیامبران چه ارتباطی با فرشتگان دارند؟ زیاد. در این زمینه، هر دو واسطه وحی هستند.

هر دو واسطه وحی هستند. پیامبران، او، فهمیدم. آنها کلام خدا را آوردند.

شکی در این نیست. اما فرشتگان؟ در تثنیه به آن اشاره شده است. استیفان دو بار در اعمال رسولان ۷ به آن اشاره کرده است و خود پولس در غلاطیان ۳ آن را تعلیم داده است. واقعاً باید گاهی اوقات این چیزها را بنویسم.

اما در غلاطیان ۳، ما می‌خوانیم که موسی، فکر می‌کنم حتی از این نام استفاده نمی‌کند، اما بسیار واضح است پس شریعت چیست؟ غلاطیان ۱۹:۳. به دلیل گناهان اضافه شد تا زمانی که نسلی که وعده به او داده شده بود، بیاید. و از طریق فرشتگان برقرار شد.

تثنیه درباره پی‌شمار فرشته در کوه سینا صحبت می‌کند، و این به ما می‌گوید که پی‌شمار فرشته توسط یک واسطه وجود داشته‌اند. هر تفسیری که تا به حال دیده‌ام می‌گوید که آن واسطه موسی است. او واسطه است.

او درباره شریعت صحبت می‌کند. حال، یک واسطه به بیش از یک واسطه اشاره دارد، اما خدا یکی است. من حتی به موسی هم نیازی ندارم.

من نیاز دارم که این از طریق فرشتگان انجام شود. فرشتگان در اعطای شریعت نقش داشتند. بنابراین، تضاد بین انبیا و فرشتگان و خداوند عیسی مسیح است.

پیامبر بزرگ و کسی که از هر نظر از فرشتگان برتر است. آنها او را می‌پرستند. نکته چیست؟ نکته این است که وحی‌ای که او می‌آورد همان کلام خداست که آنها به آن چیزی که آنها آوردند، آوردند، اما قدرتمندتر است.

یعنی، انجیل حتی از شریعت هم مهم‌تر است. وعده‌های بهتری دارد، اما هشدارهای شدیدتری را به همراه دارد. با در نظر گرفتن این پیشینه، گفتن اینکه عبرانیان ۱ چیزهای زیادی را در بر می‌گیرد، بسیار مهم است.

این بهترین جای کتاب مقدس است که نشان می‌دهد عیسی یک پیامبر، کاهن و پادشاه است. او در آیه ۳ کاهن است، گناهان را پاک می‌کند. او در آیه ۲ پیامبر است. در این روزهای آخر، خدا از طریق پسرش با ما سخن گفته است.

در نهایت، عبرانیان ۱ درباره تاجگذاری او به عنوان پادشاه است، زیرا او به دست راست خدا صعود کرده و نشسته است. همانطور که کل فصل، از آیات ۴ تا پایان، نشان می‌دهد. اما عبرانیان ۲: ۱ تا ۴ تمایز بین پیامبران و فرشتگان و عیسی را بین وحی عهد عتیق و جدید به این شکل اعمال می‌کند.

بنابراین، باید به آنچه شنیده‌ایم توجه بیشتری داشته باشیم، مبادا از مسیر خود منحرف شویم. اولین آیات هشداردهنده بزرگ از کتاب عبرانیان. از آنجایی که این پیام توسط فرشتگان اعلام شد، اکنون می‌دانیم که چیست. این همان شریعتی است که قابل اعتماد بودن خود را ثابت کرده است و هر تخلف یا نافرمانی مجازات عادلانه‌ای را در پی دارد.

چگونه می‌توانیم از چنین نجات بزرگی فرار کنیم اگر چنین نجات بزرگی را نادیده بگیریم؟ این نجات در ابتدا توسط خداوند اعلام شد، به وضوح منظور عیسی است، و توسط کسانی که رسولان را شنیدند برای ما تأیید شد، در حالی که خدا نیز با آیات و شگفتی‌ها و معجزات مختلف و با عطایای روح القدس که طبق اراده او توزیع شده بود، شهادت داد. بنابراین، از نظر بافت ادبی، عبرانیان ۱، ۱ تا ۲، ۴ یک واحد است. پسر بسیار برتر از پیامبران و فرشتگان عهد عتیق است که کلام خدا را آوردند، به خصوص هنگامی که شریعت در نظر است.

بنابراین، انجیل حتی از شریعت هم مهم‌تر است. منظور مرا بد برداشت نکنید. شریعت و انجیل به یک اندازه از جانب خدا الهام شده‌اند و عین کلام او هستند.

اما نویسنده می‌گوید اگر شریعت داوری را به همراه داشته باشد، اگر ما از خدای زنده روی بگردانیم چه می‌شود؟ چیزی که او بعداً می‌گوید این است که خدای ما آتشی سوزان است. نکته چیست؟ زمینه تاریخی چیست؟ ما با زمینه ادبی، حداقل به طور کلی، با دقت کار کرده‌ایم. زمینه تاریخی: عبرانیان برای مسیحیان یهودی مذهبی نوشته شده است که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و ما باید با آنها همدلی داشته باشیم، زیرا اگر از عیسی روی برگردانند و به یهودیت بازگردند، ممکن است فشار از روی آنها برداشته شود.

نویسنده بی‌درنگ می‌گوید این کار را نکن. با این مسیح‌شناسی والای فصل اول که در فصل دوم و چهارم به کار رفته، این کار را نکن. انجام این کار به منزله‌ی خودکشی معنوی است.

عیسی واسطه است، تنها واسطه عهد جدید، که بعداً در عبرانیان بیش از یک بار خواهید گفت، همانطور که در ارمیا ۳۱ وعده داده شده است. روی گرداندن از او به معنای روی گرداندن از انجیل حقیقی به سوی خشم خداست. این حداقل یک طرح کلی از انجیل عبرانیان است.

به خواست خداوند، در سخنرانی‌های بعدی خود، با توجه به پنج دلیل تاریخی بزرگ، به تفکر در مورد الوهیت مسیح از این متن بزرگ ادامه خواهیم داد و سپس با نگاهی به سایر متون مسیح‌شناسی برای هر نکته، آنها را تأیید خواهیم کرد. خداوند شما را برکت دهد و از توجه خوب شما متشکرم.

من دکتر رابرت پترسون هستم و در حال تدریس در مورد مسیح‌شناسی. این جلسه ۱۲، سیستماتیک، تولد از باکره، لوقا ۲، متی ۱ و الوهیت مسیح، عبرانیان ۱ است.